

واکاوی تلخند در عکس‌های روبر دوآنو بر مبنای تعریف طنز از دیدگاه عبید زاکانی

لیلا سالک قلعه حسن / دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، موسسه آموزش اقبال لاهوری، مشهد، ایران.*
lesa1366@gmail.com

چکیده

طنز یکی از گونه‌های ادبی زبان است که اساس آن بر تضاد و ناهماهنگی با نظام و قراردادهای ذهنی مخاطب بنا شده است. طنزپرداز با نیتی اصلاح‌گرانه، کاستی‌ها و معایب جنبه‌های مختلف زندگی را به شیوه مضحک و مبالغه‌آمیز به نمایش درمی‌آورد. روبر دوآنو فرانسوی که در دهه ۱۹۳۰ با استفاده از دوربین عکاسی لایکا در خیابان‌های پاریس عکاسی می‌کرد. او یکی از معروفترین و تأثیرگذارترین عکاسان قرن بیستم و به همراه آنری کارتیه-برسون از پیشگامان فوتوژورنالیسم به‌شمار می‌آید. او با نگاهی ظریف و گاهی حاکی از طنز و سرخوشی به زندگی روزانه در پاریس و حومه آن به همراه دیگر عکاسان خیابانی وضعیت اجتماعی پاریس را به صورت مستندگرایانه به تصویر می‌کشیدند. بر اساس مطالبی که بیان شده است، در این پژوهش، به بررسی تعاریفی از طنز و انواع آن در طنز می‌پردازم. همچنین به تجزیه و تحلیل از آثار عکاسی هنرمند روبر دوآنو پرداخته می‌شود. عکاسی طنز از دیدگاه نظریه‌پردازان طنز درک و خلق تصویر هنرمندانه و نقادانه جهانی سراسر متناقض و متضاد، در قالبی نیشخندآمیز است؛ بی‌آن‌که عکاسان طنز و طنزپردازان، دمی کهنه‌گی و فنا را در ذات هر نوآمده فراموش کند. از این‌رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان با واکاوی طنز در عکس‌های روبر دوآنو، از دیدگاه عبید زاکانی تعریفی بر مبنای طنز ارائه داد؟ کلیدواژه‌ها: طنز، واکاوی تلخند، روبر دوآنو، عبید زاکانی.

A Critical Analysis of Robert Doisneau's Photography based on the Definition of Humour from Ubayd Zakani's Perspective

Leyla Salek Ghaleh Hasan / Master's student in photography, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Eqbal Lahoori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

lesa1366@gmail.com

Abstract

Humour is one of the types of literary language that is based on contradiction and incompatibility with the system and mental conventions of the audience. With a reformist intent, the satirist shows the flaws and inconveniences of different aspects of life ridiculously and exaggeratedly. French photographer Robert Doisneau, who used a Leica camera in the street in the 1930s (Robert Doisneau) took pictures in Paris. He is one of the most famous and influential photographers of the twentieth century and is regarded as one of the pioneers of photojournalism with Henri Cartier-Bresson. They painted Paris in documentary form. Based on the content that has been declared, in this research I will review the definitions of humor and its types in humorous photography. In addition, the analysis of the works of satirical photography by the artist Robert Doisneau is done. Satirical photography from the point of view of satirical theorists is the understanding and creation of an artistic and critical image of the world, which is completely contradictory and contradictory, in a humorous format, without which satirical photographers and satirists, To forget the oldness and decay like every newcomer Therefore, the main goal of the current research are to examine and answer the question of whether it is possible to provide a definition based on humor by analyzing the bitterness in Robert Doisneau's photographs from Ubayd Zakani's point of view.

Keywords: humor, analysis of bitterness, Robert Doisneau, Obaid Zakani.

مقدمه

ابداع عکاسی بسیاری را به این گمان افکند که بالاخره راهی برای قبضه کردن واقعیت پیدا شده است و با خیال راحت می‌توان واقعیت گریزپا را در چشم به هم زدنی ثبت و ضبط کرد. با بررسی سابقه عکاسی خیابانی، می‌توان پی برد که بسیاری از عکاسان از زاویه طنز، کمدی و شوخی نیز به عکاسی پرداخته‌اند. عکاسان بزرگی همچون هنری کارتیه برسون، الیوت ارویت و بسیاری دیگر در زمینه عکاسی طنز کارهای ویژه نموده‌اند، اما به‌راستی معدودند عکاسانی که چون رابرت دوآنو این‌چنین لایه ساده و شفاف زندگی روزمره را لمس کرده باشند. عکس‌های دوآنو در عین سادگی محض، ژرفای بی‌نظیری از زندگی را نیز توأمان به نمایش می‌گذارند. طنز نهفته در اغلب آثار او به زبان و لحنی خاص در آثارش تبدیل شده است که او را از دیگر عکاسان مستند اجتماعی متمایز می‌کند. بسیاری از عکس‌های خیابانی طنزآمیز، بیننده را نمی‌خنداند. حس سرگرمی و سرخوشی در وی پدید نمی‌آورد، بلکه ممکن است فقط لبخندی بر لبان بیننده بنشانند. آن‌ها به روشی شوخ‌طبعانه به دنبال بیان موضوعی هستند که گاهی درون‌مایه‌ای تلخ و غم‌انگیز را در خود نهفته دارد. مقوله طنز در عکاسی خیابانی جایگاهی ویژه دارد و می‌تواند تصاویر خیابانی تأثیرگذاری را خلق کند. به همین دلیل است که طنز، همواره مضامین خود را از لابه‌لای حوادث اجتماعی می‌یابد و در پی آن، نگاهی هم به مسائل سیاسی دارد. در این ارتباط، طنز در نقش یک آینه عمل می‌کند و بر آن است که عیب‌های افراد را در مقابل دیدگانشان قرار دهد؛ آن‌چنان که آینده عمل می‌کند و نقایص ظاهری انسان را نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

جنسن (۱۳۷۷) به بررسی آثاری از عکاسانی از «مکتب پاریس» مانند دوآنو پرداخته است. نگارنده در بخشی از کتاب اطلاعاتی را درباره روبر دوآنو، به عنوان یکی از معروف‌ترین و تأثیرگذارترین عکاسان قرن بیستم معرفی می‌نماید.

در مورد طنز در ادبیات فارسی و نیز طنز عبید، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. حلبی در مقدمه‌ای بر *طنز و شوخ‌طبعی در ایران* (۱۳۴۱) به صورت کلی به بررسی طنز و طنزپردازی پرداخته است. بهزادی اندوهجردی در *طنز و طنزپردازی در ایران* (۱۳۷۸) در

مورد طنز و طنزپردازان سخن گفته است که بیشتر شبیه کتاب‌های تاریخ ادبیات است. نیاز (۱۳۹۲) به بررسی طنز در نقاشی اروپا از رنسانس تا پایان قرن نوزدهم (مطالعه موردی: رئالیسم اجتماعی) پرداخته و در این بررسی، طنز را به عنوان یکی از انواع ادبی، سیر تحول طنز در نقاشی اروپا از رنسانس تا قرن نوزدهم و همچنین مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی و مسئله رواج طنز در این دوران پرداخته است. بر اساس فرضیه تحقیق، نقاشی طنزپردازانه در دوره قبل از رنسانس بیشتر به صورت مصورسازی برای کتاب‌هایی با موضوعات مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما از دوره رنسانس به بعد به صورت مستقل و گاهی تصویرسازی با موضوعات اساطیری انجام می‌شد. تحولات گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قرن نوزدهم باعث رواج طنز در این دوران گردید و رئالیسم اجتماعی یکی از گرایشاتی است که در اواخر این قرن شکل می‌گیرد و طنز به عنوان یکی از عناصر بارز رئالیسم اجتماعی مطرح می‌شود.

افتخاری (۱۳۹۳) در ارتباط با طنز، بزرگان زیادی نظریه کاربردی داده‌اند. از جمله افلاطون، توماس هابز هنری برگسون، فروید و اسپنسر که در بخش نظریه در تقسیم‌بندی‌های معنی‌شناسی طنز و نشانه‌شناسی طنز، صحبت آن‌ها آورده شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های داده‌ای اینترنت انجام شده است. شیوه‌ارایه پژوهش بدین شکل است که ابتدا تعریف طنز، انواع آن بیان شده، سپس سازوکار و نقش و اهمیت طنز از دیدگاه طنزپرداز عبیدزاکانی در تحلیل و خوانش عکس‌های طنز روبر دوآنو، با چند نمونه تشریح و تبیین شده است. کلیه نمونه‌های تصویری از شاخه عکاسی مستند انتخاب شده است. در این پژوهش، منابعی همچون آرین‌پور (۱۳۷۷)، دهخدا (۱۳۸۸) و بتس (۱۳۹۸) استفاده شده است.

طنز و انواع آن

طنز یکی از شاخه‌های ادبیات انتقادی و اجتماعی است که در ادبیات کهن فارسی، به عنوان نوع ادبی مستقل شناخته نشده و مرزهای مشخصی با دیگر مضمون‌های انتقادی و

خنده‌آمیز چون «هجو»، «هزل» و «مطایبه» نداشته است. از واژه طنز، اغلب معنی لغوی آن یعنی «مسخره کردن» و «طعن زدن» مورد نظر شاعران و نویسندگان بوده است، ولی معنی امروزی آن، که جنبه انتقاد غیرمستقیم اجتماعی با چاشنی خنده، که بعد آموزشی و اصلاح‌طلبی آن مراد است، از واژه satire اروپایی گرفته شده است. طنز در حقیقت اعتراضی بر مشکلات و نابه‌سامانی‌هایی است که در یک جامعه وجود دارد و گویی جامعه و مسئولان امر نمی‌خواهند این اعتراض‌ها را مستقیم و بی‌پرده بشنوند. از این‌رو، وجدان بیدار و ضمیر آگاه شاعران و نویسندگان و عکاسان با بزرگ‌نمایی و نمایان‌تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و عیب‌ها و نقص‌های پدیده‌ها و روابط حاکم در حیات اجتماعی، در صدد تذکر، اصلاح و رفع آن‌ها برمی‌آیند. اوج طنز را در آثار شاعران و نویسندگان دوره مشروطیت می‌توان دید. طنز، همواره مضامین خود را از لابه‌لای حوادث اجتماعی می‌یابد و در پی آن، نگاهی هم به مسایل سیاسی دارد. در این ارتباط، طنز در نقش یک آینه عمل می‌کند و بر آن است که عیب‌های افراد را در مقابل دیدگان‌شان قرار دهد؛ آن‌چنان که آینده عمل می‌کند و نقایص ظاهری انسان را نشان می‌دهد.

توجه به این مسئله ضروری است که طنز اصولی و بنیادین، می‌تواند افراد پاکدامنی را حفظ کند، اما نمی‌تواند آن‌چنان که توقع می‌رود افراد بدطینت را هدایت کند؛ چراکه جریان‌های منفی، متأسفانه، در سطح جامعه به سرعت شیوع پیدا می‌کنند و کمتر دیده شده است که یک جریان مثبت بتواند بر ذهن و فکر افراد منفی جامعه غلبه کند. در این میان، باید به لحن طنز پرداز توجه شود؛ چراکه لحن راوی می‌تواند فرد مخاطب را قانع یا در او ایجاد شک و شبهه کند. نکته قابل‌اعتنا، نقش‌آفرینی عنصر طنز در دنیای شعر و رمان است. این عنصر، در این دو نوع ژانر ادبی، بسیار کارساز بوده، بسیار مورد توجه مؤلفان و نویسندگان قرار گرفته است. در صورتی که در وادی مقاله‌نویسی، طنز آن‌چنان موفق عمل نکرده و معمولاً به خاطر بروز حوادث ناگوار برای طنز، از این عنصر جذاب استفاده نشده است؛ در عین حال که مخاطب طنز، آن‌چنان تحت تأثیر مستقیم‌گویی‌های مقاله قرار نمی‌گیرد. در صورتی که در رمان و شعر، به وجود یک واسطه و به دلیل بیان غیر مستقیم مطالب، مخاطب بهتر پذیرای انتقادهای طنز پرداز است.

یک فرد طنز پرداز، جدا از داشتن توانمندی لازم در به‌کارگیری فنون طنز، می‌بایست به علوم مختلفی مانند روان‌شناسی، سیاست، تاریخ، فلسفه و به خصوص علوم اجتماعی آشنایی

لازم داشته باشد. او باید به مسائل روز آگاه باشد، مثلا علل مردم‌گریزی جوانان را بداند، به ناهنجاری‌های جامعه آشنا باشد، از علل بروز تقدس‌زدایی در جامعه مدرن آگاهی داشته باشد و از مقوله اسارت انسان در دام ماشین و رایانه مطلع باشد.

استفاده از طعنه و تمسخر انسان و رویدادهای اجتماعی هم به شکل ادبی و محترمانه امکان‌پذیر است و هم به صورت محاوره‌ای و عامیانه. در شکل اول، نویسنده مغرضانه برخورد نکرده، بلکه قصدش تصحیح و رفع اشتباهات است. در صورتی که در نوع دوم، راوی قصد اذیت و آزار فرد مذکور را دارد؛ بیشتر می‌خواهد خود را آرام سازد. او به نتیجه سخنانش نمی‌اندیشد. زبان این فرد، غالبا تند و گزنده است و از همان ابتدا، مخاطب درمی‌یابد که فرد مذکور چه قصد و هدفی را دنبال می‌کند، معمولا در عرصه ادبیات و نقد، کمتر از این نوع طنز استفاده می‌شود و از نویسندگان فرهیخته توقع می‌رود که حرمت کلام خود را حفظ کنند و در کمال ادب و به قصد ایجاد تحول در افراد، دست به قلم ببرند. لازم به ذکر است که سه گونه اصلی طنز (Irony) تقسیم می‌شود به:

۱. طنز کنایه‌آمیز: این طنز کاملا ادبی است و به منظور جلوگیری از اشتباهات مکرر، مطرح می‌گردد. به طور مثال، اگر روزی محصلی در مدرسه بگوید «من درس را نمی‌فهمم»؛ و معلم در جواب بگوید «خوب! ما هم بیش از این انتظار نداشتیم»، معلم از طنز (satire) استفاده کرد و طعنه در کلامش وجود دارد، اما اگر روزی محصلی مشاهده کرد معلمش با ناراحتی وارد کلاس شده و می‌گوید: «یک خبر بد برایت دارم. نمره‌ات عالی شده!»، او از طنز کنایه‌ای استفاده کرده است. در طنز کنایه‌ای، تنها معنای ضد آن چه بیان شده، مورد نظر است. در صورتی که در انواع پیچیده آن، نه تنها همان گفته اول مد نظر است، بلکه معنای ضد آن هم مورد نظر بوده است. استفاده از این طنز، این را به همراه دارد که شخصی شنونده دچار سوءتفاهم شده ناراحت گردد.

۲. طنز دراماتیک: طنز دراماتیک به طنزی گفته می‌شود که میان گفته شخصیت‌های داستانی و خالق داستان اختلاف بیندازد. به عبارت ساده‌تر، اختلاف بر سر گفته سخن‌گو و منظور و مقصود اصلی نویسنده است. گاه دیده شده که سخن یکی از شخصیت‌های داستانی، کاملا واضح و آشکار است، اما نویسنده، مقصود و غرض دیگری از طرح آن دارد.

۳. طنز موقعیت: در این طنز، میان پیش‌گویی در بروز حادثه‌ای و خود حادثه که به وقوع می‌پیوندد، اختلاف وجود دارد. به طور مثال، اگر یک شب مردی در سینما، با همسر دومش،

به صورت تصادفی، کنار همسر اولش بنشینند، چنین طنزی به وقوع می‌پیوندد. در پایان، باید به این مسئله اشاره شود که انواع طنزهای ذکر شده با پارادوکس یا جملات تناقض‌نما، متفاوت پارادوکس، جمله‌ای است که ظاهراً اشتباه به نظر می‌رسد، اما در باطن، درست مثل جمله معروف «دب از که آموختی؟ از بی‌ادبان» است.

مرز طنز و هزل و هجو

حدود طنز با هجو و هزل کدام است؟ هجو معمولاً به بدگویی‌ها و یا دشنام‌هایی گفته می‌شود که فردی در حق شخص دیگر روا می‌دارد؛ یعنی در هجو اغراض شخصی مدنظر است، مانند هجویه‌هایی که خاقانی در ذم مجیر بیلقانی یا ابوالعلا گنجوی سروده است. هزل نیز سخنان طیبت‌آمیز و خنده‌انگیزی است که معمولاً به قصد مزاح و تفنن گفته می‌شود، اما طنز صورت تکامل یافته هجو و هزل است. رزمجو می‌نویسد ولی هجو و هزل دریده است و خودداری نمی‌شناسد. انواع ادبی و آثار آن در طنز با نوعی شرم و تملک نفس همراه است. در طنز معمولاً اغراض شخصی و کینه‌توزی به دشمنان وجود ندارد، بلکه انتقاد از مسائل و مشکلات و اوضاع دردناک سیاسی و اجتماعی روزگار طنزپرداز است که در ظاهری خنده‌آور بیان شده است. گرایش به حضور مردم در عکس‌ها، تعاملات روزمره اجتماعی و فرهنگ عامه همیشه از جذاب‌ترین مولفه‌های عکاسی مستند اجتماعی بوده است و این عکس‌ها به دلیل قربات فراوان‌شان با جریان زندگی از نوعی صراحت و صداقت ذاتی برخوردار بوده‌اند که این خصوصیت باعث جذابیت این عکس‌ها در اذهان مخاطبان می‌شود.

روبر دوآنو عکاس فرانسوی به همراه هانری کارتیه-برسون یکی از پیشگامان عکاسی خبری بود. او که فارغ‌التحصیل رشته لیتوگرافی بود، عکاسی را در زمان دستیاری آینده‌ویگنو فرا گرفت و اولین عکس‌هایش در سال ۱۹۳۲ منتشر شدند. دوآنو برای پنج سال در کمپانی رینالت مشغول به کار شد، اما چون همیشه دیر سر کار می‌رفت، اخراج شد. پس از این دوران و خستگی از گرفتن عکس از گوشه و کنار کارخانه، او علاقه‌اش به عکاسی از آدم‌ها در حالات طبیعی را کشف کرد و شروع به گرفتن عکس‌های این‌چنینی کرد. او در دوران جنگ جهانی دوم در کار جعل اسناد و مدارک برای ارتش مقاومت فرانسه بود. او پس از جنگ به‌طور مداوم عکاسی خبری را ادامه داد و عکس‌هایش از گوشه و کنار پاریس و مردمان این شهر شهرت جهانی دارند. عکس دوآنو از زوجی جوان در خیابانی شلوغ در پاریس یکی از

معروف‌ترین عکس‌های تاریخ عکاسی است. او که در سال ۱۹۸۴ نشان شوالیه دریافت کرد، برای عکس‌های دوران جنگ جهانی دوم و روزهای پس از پایان این جنگ شهرت داشت. دوآنو با این‌که عکاس خبری بود و کارش ثبت وقایع بود، هرگز از سوژه‌هایش سوء استفاده نکرد. او پس از پایان جنگ جهانی از گرفتن عکس از زنان خیابانی که موهایشان را به دلیل حشر و نشر با آلمانی‌ها تراشیده بودند، پرهیز کرد و این جمله معروف را گفت: «من از زندگی آن‌طور که هست عکس نمی‌گیرم، آن‌طور که دوست دارم باشد، عکس می‌گیرم. این عکاس بزرگ در کنار عکاسی به چاپ کتاب کودکان نیز علاقه داشت و اصلاً علاقه‌اش به هنر و ادبیات موجب شد از برخی از بزرگان هنر و ادبیات عکس بگیرد. عکس‌های او از آبرتو جاکومتی، ژان کوکتو، فرنان لژه، ژرژ باروک و پابلو پیکاسو شهرت جهانی دارند. دوآنو همچنین دوست ژاک پروه شاعر فرانسوی بود و به او یاد داد چطور از خیابان‌های پاریس و زندگی روزمره مردم عکس بگیرد، چیزی که به نظرش مردم خیلی راحت از کنارش رد می‌شدند. دوآنو سال ۱۹۹۴ در ۸۱ سالگی، شش ماه پس از آن‌که همسرش بر اثر آلزایمر و پارکینسون درگذشت، فوت کرد. میراث او برای دنیای عکاسی مجموعه‌ای بی‌نظیر از پاریس با آدم‌های معمولی‌اش است.



تصویر ۲



تصویر ۱

در تحلیل تصاویر ۱ و ۲ تحلیل‌گران وادی طنز و کنایه، بر این باورند که یک طنز اصولی، باید به مسائلی چون بیان حقیقت، کشمکش‌ها و تضادها بپردازد و در این راستا، پس از ریشه‌یابی معضلات، راه‌حل مناسب و منطقی ارائه دهد، گاه دیده می‌شود اغلب مردم، میان طنز و هجو، تفاوتی قائل نیستند و همه را یکسان می‌پندارند. در صورتی که میان طنز و هجو، تفاوت عمده وجود دارد. طنز اصولاً بازتاب عمومی دارد و طنزپرداز، در این وادی، مسایل و

رویدادهای عمومی و همه‌جانبه را در نظر می‌گیرد؛ در صورتی که هجو، تنها به یک فرد خاص می‌پردازد و بر آن است که آن فرد مذکور را هدف قرار دهد.

اصولا وجود عنصر درشت‌نمایی، مبالغه و غلو، در گستره طنز، ضروری است و نباید این عناصر حیاتی را به باد انتقاد گرفت و گمان برد که طنز، از مقوله دلالت‌گری و مستندگرایی، دور شده است. در تحلیل این عکس از روبر دوآنو می‌توان این را در نظر گرفت که بدون هیچ غرض‌ورزی و خصومت شخصی گرفته شده است، ولی با توجه تعریف یک نظریه درباره طنز این است که چه اتفاقی می‌افتد ما به ماجرا و طنزی می‌خندیم. ارسطو می‌گوید تقلید و نمایش بر سه نوع است: کمدی، تراژدی و درام. در تراژدی داستان انسان‌های بزرگ مطرح می‌شود که دچار ناکامی و شکست شدند. در شاهنامه تراژدی‌هایی داریم مانند سوگ ایرج، سیاوش، اسفندیار و سهراب که شاهزادگان و افراد برجسته و پهلوانان برجسته جامعه هستند که در جدال با سرنوشت خود شکست خوردند. در کمدی با شخصیت‌های برجسته روبه‌رو نیستید، بلکه از نگاه ارسطو ما زمانی می‌خندیم که کسی از خودمان پایین‌تر پیدا کنیم، اما در شکل متکامل‌تر آن ما همیشه به انسان‌های پایین‌دست جامعه یا هم‌سطح خود نمی‌خندیم. در داستان‌ها و حکایت‌های طنزی که عبید دارد یا حتی قبل‌تر از عبید در عطار، سنایی و مولانا می‌بینیم که در طنز ما همیشه با کسی که از ما پایین‌تر است، روبه‌رو نمی‌شویم، چه بسا با کسی روبه‌رو می‌شویم که از ما بالاتر است و حتی بالاترین مقام سیاسی کشور را دارد مثلا پادشاه است.



تصویر ۴

تصویر ۳

حضور روبر دوآنو عکاس مردمی، شهیر و خوش آوازه فرانسوی که عکس‌های خویش در مجله لایف تاثیر خاصی بر عکاسی مستند اجتماعی در دهه ۵۰ و ۶۰ گذاشت، به عنوان سرباز

(و عکاس) در جنگ جهانی دوم مجموعه‌ای نفیس از آثار را که معروف به آثار «پس از جنگ» اوست، به یادگار گذاشته است.

در تحلیل این چهار عکس از چندین آثار روبر دوآنو می‌توان در آن طنز تلخ یا تلخندی را مشاهده نمود که عبید زاکانی در اکثر آثار خود به آن اشاره کرده است؛ به طوری که عبید زاکانی هم طنز و هم انسان آزاده، حق طلب هستند و می‌خواهند هر چیزی را سر جای خود قرار دهند. قناعت از دیگر ویژگی‌های مشترک فرد طنز و انسان آزاده است. همچنین آزادی به انسان شجاعت می‌دهد، کما اینکه طنزپرداز هم شجاع است که اگر نباشد نمی‌تواند با این همه آدم‌های ریز و درشت اطراف خود در بیفتد، بنابراین قطعاً یکی از خصیصه‌های اصلی طنزپرداز، شجاعت است. دیگر اینکه یک انسان آزاده نه تنها انتقاد می‌کند، بلکه انتقاد هم می‌پذیرد و روح انتقاد در او نهادینه شده است و در نهایت، یک انسان آزاده، نشاط فکری دارد و خوشحال است، همان چیزی که در طنزپرداز هم مشهود است، چون تا یک فرد شاد نباشد، نمی‌تواند شادی خلق کند. یک انسان عصا قورت داده و خشک نمی‌تواند طنزپرداز باشد. «حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر. به سر نکوفته باشد در سربایی را». رها شدن از این تعلقات می‌تواند شادمانی‌بخش باشد و با گذشت هشتصد سال از روزگار عبید زاکانی چقدر برای ما تازگی دارد و شادی‌آور است و هم چنین با توجه به تعریف طنز که در این پژوهش آورده شده می‌توان این چنین گفت که این عکس‌ها در دسته طنز کنایه‌ای قرار می‌گیرد، زیرا در طنز کنایه‌ای، تنها معنای ضد آن چه بیان شده، مورد نظر است. در صورتی که در انواع پیچیده آن، نه تنها همان گفته اول مد نظر است، بلکه معنای ضد آن هم مورد نظر بوده است.

نتیجه

بر اساس سه عامل اصلی تولید عکس‌ها، می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی قرار داد که با توجه به درجه اهمیت عبارتند از:

۱. عکس‌های عکاس محور

۲. عکس‌های سوژه محور

۳. عکس‌های دوربین محور

عکس‌های روبر دوآنو در دسته عکس‌های سوژه محور قرار دارند که بعضی از آن با توجه این که اروپا در پایان جنگ جهانی دوم وضعیت مصیبت‌باری داشت، شهرها ویران شده بودند،

میلیون‌ها نفر آواره و در تبعید بودند و بی‌خانمانی، بی‌ثباتی و تشویش برای آینده سیاسی میان مردم موج می‌زد و همه این‌ها شرایط سختی را به وجود آورده بود. در سال‌های بعد از جنگ، اما علاقه به فرهنگ ملل و تنوع زندگی مردمان آن قدر فراگیر شد که ردپای این تبادل‌های انسانی را می‌شد در عکاسی نیز دید، از جمله این که در دهه ۱۹۵۰ مطبوعات روتوگراورور پا به عرصه گذاشتند و سهم قابل توجهی در گسترش عکاسی داشتند. تمایلات و گرایش‌های شخصی در عکس‌ها راه جستند و بیننده را به سویه‌های فلسفی، روان‌شناختی و انسان‌دوستانه سوق دادند. عکاسان آژانس مگنوم را باید بی‌تردید پیشروان این حرکت دانست: این عکاسان در حقیقت موجب رونق عکاسی مطبوعاتی شدند.

این روند پس از جنگ نیز با گسترش عکاسی مستند و مطبوعاتی ادامه پیدا کرد. بعد از پایان جنگ، آلفرد آیزنشتات از افراد معروف و مردم در زندگی روزمره عکاسی کرد، او را باید بدون تردید پیشگام عکاسی با نور طبیعی (محیطی) دانست.

در سال ۱۹۵۵ نیز موزه هنرهای مدرن در نیویورک نمایشگاهی برپا کرد که می‌توان آن را نقطه عطف عکاسی در قرن بیستم دانست. نمایشگاه «خانواده بشری» در چهل و چهار شهر بزرگ اروپایی و امریکایی برگزار شد و همه رکوردهای بازدید تا آن زمان را شکست. بزرگترین موفقیت نمایشگاه «خانواده بشری» نمایش نقش جهانی عکاسی بود، این نمایشگاه همچنین تصویرگر جامعه جهانی دوستدار صلح بود و تلاش کرد در سال‌های بعد از جنگ بارقه‌هایی از امیدهای تازه برای جهانی انسانی و سرشار از صلح را نمایش دهد.

اما در میان عکاسان مستند این دوران به نامی برمی‌خوریم که خلاقیت و نبوغ عکاسانه را در «مدیریت عوامل محیطی» برای رسیدن به عکسی صمیمی و سلیس به اوج خود رساند، روبر دوآنو فرانسوی با نگاهی ظریف به زندگی در حومه پاریس به همراه دبلیو رونیز ایزیز و عکاسان خیابانی دیگر، وضعیت اجتماعی پاریس را در این دهه‌ها به تصویر کشیدند و بر دوآنو چشم زندگی روزمره بود، نگاه شاعرانه و زیبای او به زندگی سرمنشاء تولید عکس‌هایی ناب شد.

منابع

- آرین پور، یحیی. (۱۳۷۷). *از صبا تا نیما*. تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). *چرند و پرند*. تهران: نیک فرجام.

نیاز، باباتبار. (۱۳۹۲). بررسی طنز در نقاشی اروپا از رنسانس تا پایان قرن نوزدهم (مطالعه موردی: رئالیسم/اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
جنسن، هورست و ولدمار. (۱۳۷۷). کتاب عکاسی قرن بیستم، ترجمه حسین نیر. تهران: فرآیند.
بتس، ویلفرید. (۱۳۹۸). کتاب نقره‌ای: تاریخ فشرده عکاسی. تهران: حرفه هنرمند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی